

بررسی عوامل گرایش به بدحجابی و راه کارهای مقابله با آن

وجیهه جوانی^۱

مجتبی امیری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۲۳

چکیده

حجاب و پوشش یکی از بایدها و هنجارهای فرهنگ دینی و بومی ما و از سوی دیگر، یکی از مهم ترین جنبه های جنگ نرم دشمنان انقلاب اسلامی است. مسئله بدحجابی بدون شک یکی از پیامدهای تهاجم فرهنگی است و نگرش سطحی و مقطعی به این مسئله، شناخت لازم و درک صحیح برای برنامه ریزی های فرهنگی کارا و اثربخش را ممکن نمی سازد. بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل گرایش به بدحجابی و راه کارهای مقابله با آن است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی است که به صورت میدانی و همراه با آن از مطالعات کتابخانه ای به منظور تدوین مبانی نظری نیز استفاده شده است. در این پژوهش، محققان با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته که اعتباریابی و روایی سنجی شد، به گردآوری داده ها پرداختند. سپس داده های به دست آمده با استفاده از روش مدل سازی معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در چارچوب مفهومی این پژوهش، با تفکر سیستمی به موضوع حجاب پرداخته شد و از این رو حجاب به عنوان یک سیستم اجتماعی در نظر گرفته شد و عناصر اصلی آن در چهار بخش: ورودی ها، فراگرد، پیامدها و بازخورد مورد بررسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: حجاب، گرایش به بدحجابی، رویکرد سیستمی

پوشش و حجاب به‌عنوان کنشی اجتماعی، از یک‌سو تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و از سوی دیگر، متأثر از کنشگران اجتماعی، اعم از زن و مرد. در سال‌های پس از انقلاب، به‌دلیل آسیب‌پذیری درونی جامعه و تهدیدهای بیرونی، انتقال فرهنگی حجاب با اختلال مواجه شد و رعایت نکردن حجاب اسلامی، موجب جریحه‌دار ساختن وجدان جمعی و تبدیل آن به مسئله اجتماعی شد (محبوبی منش، ۱۳۸۶). موضوع بدحجابی در جامعه ما از اموری است که ذهن بسیاری از دینداران جامعه را به‌خود مشغول داشته است. تلقی بدحجابی به‌عنوان امری نابهنجار و نامطلوب نشانگر این است که ذهنیت فرهنگی و دینی ما برای بدحجابی آثار و تبعات نامطلوبی قائل است و به تعبیر دیگر، آن را علت برخی پدیده‌های نامطلوب دیگر در جامعه می‌انگارد.

از منظر آسیب‌شناختی، بدحجابی از مصداق‌های انحراف و کج‌روی اجتماعی است. بی‌حجابی و بدحجابی، رفتاری ناسازگار با هنجارها و انتظارات جامعه (کوشن، ۱۳۸۸: ۲۱۵)، خلاف فرهنگ جاری و قانون‌مندی‌ها و انتظارات مطلوب جامعه (شیخی، ۱۳۸۷: ۱۰۹) و موجب تنش‌ها و تضادهایی است که به نگرش‌های سرزنش‌آمیز می‌انجامد و واکنش‌هایی نظیر مجازات، طرد و انزوا را به‌همراه دارد (محسنی، ۱۳۸۳: ۸۳). به بیان دیگر، هر گاه رفتار افراد جامعه با هنجارها، ارزش‌ها و عقاید اجتماعی جامعه در تعارض و تضاد باشد، رفتار اجتماعی، رفتاری نابهنجار خواهد بود؛ زیرا بین خواسته‌ها، نیازها و آرمان‌های اجتماعی نظام موجود و افراد جامعه هماهنگی دیده نمی‌شود و در این حالت، روابط اجتماعی، تنش‌زا و ستیزآمیز است (سیف‌اللهی، ۱۳۸۷: ۲۲۴).

برای تعریف بدحجابی بهتر است ابتدا حجاب و حدود آن مشخص گردد؛ از نظر لغوی، «حجاب» به معنای پوشیدن، پرده و حاجب به‌کار رفته (مطهری، ۱۳۷۴) و در هیچ موردی اصالتاً به معنای نوع، سبک پوشیدن و نوع سبک لباسی که پوشیده می‌شود، اطلاق نشده است (المدرسی و همکاران، ۱۳۹۴). ولی در اصطلاح فقهی، حجاب پوشش زن در برابر بیگانه است. البته کتب فقهی از واژه حجاب به این معنی کمتر بهره گرفته‌اند و برای بیان این مقصود در دو مقوله کاملاً مرتبط «پوشش» و «نگاه»، از دو واژه «ستر» و «نظر» استفاده کرده‌اند (مرتضوی، ۱۳۸۶). از منظر فرهنگ‌شناسی، حجاب، نمود بیرونی باورهایی است که در لایه‌های زیرین فکری و شخصیتی افراد قرار دارند (مختاریان‌پور و گنجعلی، ۱۳۹۰).



بنابراین، مقصود از حجاب اسلامی، آن نوع پوششی است که دارای این دو ویژگی باشد:

۱. حدود شرعی پوشش در آن رعایت شده باشد. ۲. با خودنمایی و جلب نظر نامحرمان همراه نباشد. طبق این تعریف، حجاب امری نیست که صرفاً به موضوع پوشش مرتبط باشد بلکه امری رفتاری نیز هست (مطهری، ۱۳۷۴). با روشن شدن مفهوم حجاب، تصور جامع‌تری از بدحجابی در ذهنمان شکل می‌گیرد. بدحجاب فقط کسی نیست که حد واجب حجاب شرعی را رعایت نمی‌کند؛ ممکن است کسی این حدود را کاملاً رعایت کند و در عین حال، وضع ظاهرش، نوع رفتارش با مردان، نوع سخن گفتنش، نوع راه رفتنش، حتی نوع نگاهش به افراد و اطرافش و در یک کلام، نوع رفتار ارتباطی او در اجتماع به‌گونه‌ای باشد که «زبان‌دار» باشد؛ یعنی با زبان بی‌زبانی توجه نامحرمان را به خود جلب نماید. تذکر این نکته لازم است که ویژگی خودنمایی و به تعبیری، زبان‌دار بودن رفتار و پوشش، ربطی به آگاهی و قصد فاعل رفتار یا پوشش ندارد و ممکن است این جلب نظر غیرآگاهانه و غیرعمدی باشد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰).



پدیده «بدحجابی» که گونه‌ای انحراف و کج‌روی اجتماعی به‌شمار می‌رود، پدیده‌ای است که جامعه ایران در سال‌های اخیر، به گونه‌های مختلف در برخی شهرهای بزرگ و به‌ویژه در میان برخی گروه‌های جامعه با آن روبه‌رو بوده است و با وجود دگرگونی‌های بنیادینی که در سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی رخ داده است و توفیقات قابل توجهی نیز در زدودن برخی مظاهر فرهنگ بیگانه به‌دست آمده ولی واقعیت این است که تاکنون این معضل اجتماعی آن‌گونه که بایسته و شایسته جامعه اسلامی ماست حل نشده و هنوز به این ضرورت فرهنگی و خواست همگانی، پاسخی شایسته داده نشده است.

عوامل مختلف و بسیاری برای گرایش به بی‌حجابی و شکل‌گیری آن بیان شده است؛ شارع‌پور و همکاران (۱۳۹۱) در یک تقسیم‌بندی ابتدایی و کلی آنها را به چهار دسته؛ شامل عوامل فردی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تقسیم کرده که عبارتند از:

۱. عوامل فردی: احساس گرای خام، اختلال شخصیتی، غریزه خودآرایی، عقده حقارت.
۲. عوامل فرهنگی: جامعه‌پذیری ضعیف یا ناهمگون، القاهای فرهنگی مسموم دشمنان، کم‌رنگی تعلق به فرهنگ خودی و توجه بیشتر به دیگر فرهنگ‌ها، ضعف اعتقاد یا باور نداشتن به اعتبار معیارهای متعارف، بحران‌های هویتی، چیرگی تلقی‌های ناهمگون، برداشت محدودیت‌آفرین از حجاب، چرخش‌های هنجاری جامعه، بی‌توجهی به پی‌آمدهای منفی

بی‌حجابی، وجود تفسیرهای مضیق از ممنوعیت‌های شرعی، غرب‌گرایی و هم‌سویی الگویی با فرهنگ غرب، شکاف فرهنگی میان نسل‌ها، نبود الگوهای پوششی متنوع متناسب با نیازها و ضرورت‌های عصری و انتظارات انسان معاصر، قرار گرفتن در معرض جریان‌های فرهنگی ناهم‌گون، توجه نکردن به مشاع بودن فضای اجتماعی و حریم عمومی، ضعف بنیادهای فرهنگ دینی در حوزه باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها و تربیت اخلاقی متناسب با حساسیت‌های دینی، مدگرایی و تنوع‌خواهی.

۳. عوامل اجتماعی: نپذیرفتن وضعیت موجود، وابستگی ذهنی به جامعه مرجع، کم‌هزینه بودن انحراف، ضعف کنترل اجتماعی، احساس تبعیض و محرومیت، تنوع گروه‌های مرجع، دگرگونی‌های فرهنگی، اثرپذیری از شبکه‌های ارتباطی.

۴. عوامل سیاسی: ضعف نگاه استراتژیک به موضوع‌های فرهنگی، تعدد و تنوع سازمان‌های مسئول با فعالیت‌های گاه متعارض، ارائه نکردن تعریف مشخص از پوشش الزامی زنان متناسب با ضرورت‌های فرهنگی جامعه اسلامی در عصر جدید و نیاز شهروندان، نداشتن تلاش جدی و برنامه‌ریزی شده برای اقناع فرهنگی، بی‌توجهی به جنبه‌های اخلاقی و تربیتی حجاب و پی‌آمدهای منفی رعایت نکردن آن، تلقی نکردن بدحجابی و بی‌حجابی به‌عنوان معضل اجتماعی و مؤلفه امنیتی، کم‌توجهی به الگوسازی و معرفی الگوها و اسوه‌های هم‌سو با ارزش‌ها و حساسیت‌های فرهنگی و متناسب با نیازها و تمایلات نسل جوان، توجه ناکافی به نقش و اهمیت ساختارهای نظارتی و کنترلی غیررسمی و برنامه‌ریزی مناسب برای بهره‌گیری از مشارکت جمعی در حل معضل‌های اجتماعی، برخورد نکردن با گروه‌های قارچ‌گونه، افراطی، خشن و ناآشنا با سیاست تربیتی اسلام، ضعف برنامه‌ریزی در تأمین نیاز جنسی و ایجاد امکان ازدواج به‌هنگام جوانان، کم‌توجهی نهادها و سازمان‌های فرهنگی به توطئه‌های خاموش دشمنان در براندازی فرهنگ عفاف، سوء استفاده بدخواهان از بی‌حجابی برای مخالفت با نظام سیاسی و ارزش‌های فرهنگی مورد حمایت آن (شرف‌الدین، ۱۳۸۶).

بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان حوزه دین و اجتماع، یکی از ریشه‌های مهم مشکلات و نابسامانی‌های جوامع را فقدان یا ضعف حیا و عفاف می‌دانند و برای نهادینه‌سازی عفاف و حجاب در جامعه، درونی کردن و عینیت‌بخشی و تثبیت ارزش‌ها را پیشنهاد می‌کنند (مختاریان‌پور و گنجعلی، ۱۳۹۰) و نظام خط‌مشی‌گذاری نیز بایستی میزان انطباق عملکردهای جاری با سیاست‌های کلان را ارزیابی کرده و متناسب با آن، اقداماتی برای بهبود در فرایندها،



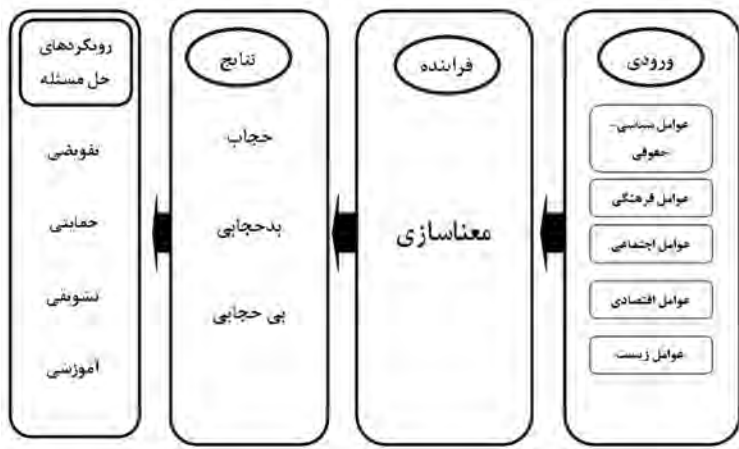
ایجاد انگیزش و تعلیم افراد و گروه‌ها و توسعه نظام‌های اطلاعاتی را پایش کند (باقری و باقری‌میاب، ۱۳۹۱).

از آنجایی که رابطه معنادار مثبتی میان هویت مذهبی و سبک زندگی مذهبی با گرایش به حجاب وجود دارد (خواجانه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۱؛ رجالی و همکاران، ۱۳۹۱)، می‌توان اساسی‌ترین علل فساد و نابودی جوامع و انحراف از مسیر اصیل و ناب پیامبران الهی را، از یک سو فراموش کردن عبادت و عبودیت و دیگر سو پیروی از شهوات نام برد که هر دو با بی‌بندوباری جنسی و کنار گذاردن حیا و عفاف و نماد روشن آن، یعنی حجاب، ارتباط مستقیم دارد. از این رو سازوکارهای مختلفی برای مقابله با بی‌حجابی و بدحجابی ارائه شده است که با توجه به مقتضیاتی که وجود دارد می‌تواند به کار گرفته شده و امور مربوط به آن را سامان دهد. با توجه به ضرورت و اهمیت موضوع حجاب، مطالعات بسیاری به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی انجام شده است که در این پژوهش به موارد قابل توجهی از آنها پرداخته شده است.

با مروری بر ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق متوجه می‌شویم که اگرچه پژوهش‌های بسیاری در حوزه حجاب انجام شده است، ولی اکثر پژوهش‌ها به صورت پراکنده و خاص به این پدیده مهم اجتماعی پرداخته‌اند و با تفکر دستگاهی و جامع‌نگری به موضوع نپرداخته‌اند؛ از این رو، در پژوهش حاضر سعی بر این است که به حجاب به صورت جامع و همه‌جانبه پرداخته شود و ابعاد پیدا و پنهان آن نیز در نظر گرفته شود.

بر مبنای نظریه سیستمی، سازمان به‌عنوان یک کل نظام‌یافته در نظر گرفته می‌شود و تحلیل هر پدیده در نظریه سیستمی، با توجه به عناصر اصلی آن انجام می‌پذیرد (رضائیان، ۱۳۸۸: ۶۲). دیدگاه کل‌نگر و سیستمی این قابلیت را دارد که پدیده حجاب را به صورت بخشی، تک‌ساحتی و تک‌جنبه‌ای مورد بررسی قرار ندهد و از منظرهای مختلف به این پدیده نگریسته و عوامل مؤثر بر آن شناسایی گردد. از این منظر، حجاب، بدحجابی یا بی‌حجابی در بر دارنده مجموعه‌ای از عناصر متعامل یا موضوعات با روابط معین در بین آنهاست که در صورت هر گونه تغییر در این عناصر و روابط یا اجزاء، اجزای دیگر و روابط بینابین و در نتیجه کل، غایت و هدف آن نیز تغییر خواهد کرد. واقعیت هم این است که هر پدیده اجتماعی خود برخاسته از مجموعه عواملی است و در عین حال جزئی از یک فرایند کلی و فراگیرتر. در این مطالعه، حجاب به‌عنوان یک سیستم اجتماعی و عناصر اصلی آن نیز مطابق مدل مفهومی زیر در نظر گرفته می‌شود.





روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی است که به صورت میدانی و همراه با آن از مطالعات کتابخانه‌ای به منظور تدوین مبانی نظری طرح نیز استفاده شده است. در این پژوهش، از پرسشنامه محقق‌ساخته که روایی صوری پرسشنامه توسط متخصصان مورد بررسی قرار گرفت، استفاده شد و بر اساس نظرات آنها اصلاحات لازم محتوایی و شکلی در پرسشنامه انجام گردید. برای تعیین پایایی پرسشنامه، ابتدا پرسشنامه تأیید شده از سوی اساتید، در بین یک نمونه ۳۰ نفری از جامعه آماری مورد نظر توزیع و جمع‌آوری گردید. سپس ضریب پایایی یا ثبات درونی پرسشنامه بر اساس داده‌های به دست آمده با استفاده از ضریب آلفای کرون باخ توسط نرم‌افزار^۱ محاسبه شد و (۰/۸۷) به دست آمد.

در این تحقیق، جامعه آماری کلیه ساکنان شهرک‌های مسکونی ودجا بودند. از آنجایی که حجم جامعه معین بود، برای تعیین حجم نمونه، از جدول کرجسی و مورگان استفاده شد که بر اساس آن، حجم نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه شد. سپس برای اینکه ترکیب سنی، جنسی و محل سکونت جامعه مشابه جامعه آماری باشد، از تعیین حجم نمونه طبقه‌ای استفاده شد و سپس پرسشنامه‌ها توسط ساکنان شهرک‌های مورد نظر تکمیل شدند و با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در مرحله بعدی، به منظور پیش‌بینی تأثیر میزان

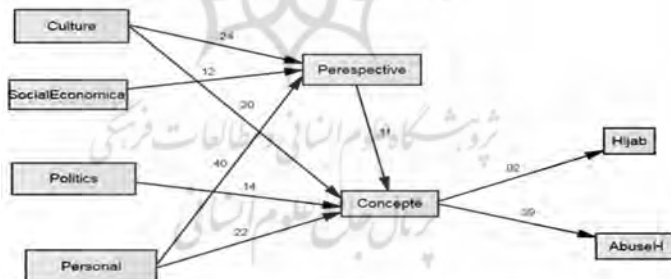


رویکردهای مواجهه (تفویضی، تشویقی، حمایتی، آموزشی و تنبیهی) بر معناسازی حجاب، از رگرسیون خطی (روش گام به گام) استفاده گردید.

مدلسازی معادله ساختاری محققان را قادر میسازد تا در یک دامنه کلی فرضیات مرتبط با روابط بین هر گونه ترکیبات متغیرهای پنهان و آشکار را آزمون کند؛ به ویژه مدل معادله ساختاری به عنوان مناسبترین روش بررسی روابط چندگانه بین متغیرهای مستقل و وابسته پذیرفته شده است و امکان آزمون مؤثر و کارآمد مدل‌های فرضی پیچیده را فراهم میکند (مک کویتی^۱، ۲۰۰۴). بنابراین، برای تحلیل فرضیه‌های اصلی این تحقیق که شامل مطالعه روابط علی و معلولی بین عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، رویکردها و عوامل فردی با حجاب است، از روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار آموس گرافیک^۲ انجام شد.

نتایج تحلیل مدل مسیر

در این مطالعه که به دنبال بررسی روابط تأثیرگذار بین عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، رویکردها و عوامل فردی با حجاب است، از روش تحلیل مسیر^۳ استفاده شده است. روابط ادعا شده در مدل که مبتنی بر دیدگاه تئوریک است، در نمودار مسیر شکل ۱ نشان داده شده است:



Chi-square=۰.۷۵, df=۱, P-value=۰.۳۸۵۳۴, RMSEA=۰/۰

شکل ۱. نمودار مسیر مدل مفهومی حاصل از یافته‌های تحقیق

بررسی مدل اندازه‌گیری بر حسب ضرایب تأثیر جدول (۱) نشان‌دهنده تأثیر معنادار متغیرها با ضرایب تأثیر بزرگ‌تر از ۰/۱ و در سطح معناداری $p \geq ۰/۰۵$ است.

1. Mcquitty
2. Amos Graphic
3. path analyze



جدول ۱. روابط بین متغیرها در مدلسازی معادلات ساختاری

نتیجه آزمون	t-value	خطا	ضریب تأثیر	مؤلفه‌ها
+	۱۲/۳۲	۰/۲۳	۰/۲۴	عوامل فرهنگی ← رویکردها
+	۴/۲۵	۰/۱۷	۰/۱۲	عوامل اجتماعی-اقتصادی ← رویکردها
+	۱۲/۱۰	۰/۶۸	۰/۴	عوامل فردی ← رویکردها
+	۵/۸۲	۰/۲۵	۰/۲	عوامل فرهنگی ← معناسازی
+	۷/۶۰	۰/۱۹	۰/۱۴	عوامل سیاسی ← معناسازی
+	۱۰/۹۰	۰/۳۹	۰/۲۲	عوامل فردی ← معناسازی
+	۸/۴۰	۰/۱۲	۰/۱۱	رویکرد ← معناسازی
+	۶/۵۰	۰/۲۴	۰/۲	معناسازی ← حجاب
+	۱۲/۹۰	۰/۱۱	۰/۳۹	معناسازی ← بی‌حجاب و بدحجابی

این مدل نشان‌دهنده ضرایب با سطح معناداری رضایت‌بخش است و مدل تئوریکی ارائه شده را تأیید می‌کند. همان‌طوری که قابل مشاهده است، از بین عوامل ورودی، عوامل فرهنگی و عوامل فردی، بالاترین تأثیر بر چگونگی اتخاذ رویکردهای حل مسئله داشتند و همچنین عوامل فردی، بالاترین تأثیر را بر معناسازی مفهوم بی‌حجابی و بدحجابی داشت. در نتیجه، می‌توان گفت عوامل فردی مؤثرترین عامل ورودی، هم در معناسازی و هم در اتخاذ رویکردها است.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۲۲

دوره نهم
شماره ۴
زمستان ۱۳۹۵

ارزیابی مدل تحقیق

اعتبار پیش‌بینی‌کننده یک مدل به معناداری پارامترهای تخمینی آن بستگی دارد. با استفاده از برخی معیارهای برازندگی، میزان برازندگی مدل مورد بررسی قرار گرفت. عوامل ساختاری زیادی وجود دارد که می‌توان برای تشریح برازندگی یک مدل به کار برد. یکی از پرکاربردترین روش‌های بررسی تناسب، روش کای دو است. علاوه بر آن، برای بررسی برازندگی از شاخص برازندگی^۱، شاخص تعدیل یافته برازندگی^۲ و ریشه میانگین مجذور پس ماندها^۳ نیز استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ قابل مشاهده است. بر اساس نتایج به دست آمده تمامی روابط بین متغیرها در سطح $p \geq 0/5$ معنادار بوده است؛ یعنی ضرایب تأثیر در مدل تأیید می‌شود.

1. GFI
2. AGFI
3. RMR

جدول ۲. مقادیر نیکویی برازش برای تأیید مدل‌سازی ساختاری

مقادیر نیکویی برازش	مقادیر تأییدی مدل
Chi-square	۰/۷۵
RMR	۰/۳۰
RMSEA	۰/۰
GFI	۱
AGFI	۱
Df	۱
Sig.	۰/۳۸۵

تحلیل رگرسیون

در مرحله دوم و با توجه به ضریب تأثیر حاصل از مدل مسیر، به منظور بررسی جزئی‌تر متغیر رویکردهای حل مسئله و پیش‌بینی میزان معناسازی حجاب بر اساس رویکردهای مواجهه (تفویضی، تشویقی، حمایتی، آموزشی و تنبیهی)، از رگرسیون خطی (روش گام‌به‌گام) استفاده شد. تحلیل رگرسیون چندگانه روشی است برای تحلیل مشارکت جمعی و فردی دو یا چند متغیر مستقل در تغییرات متغیر وابسته. بدین منظور، در مطالعه حاضر، از روش گام‌به‌گام استفاده شده است؛ بدین معنا که متغیرهای مستقل به ترتیب اهمیت که دارند وارد معادله می‌شوند، با این تفاوت که هر بار بعد از ورود یک متغیر، متغیرهایی که تاکنون وارد شده‌اند، دوباره مورد بررسی قرار می‌گیرند و اگر سطح معناداری شان کاسته شد، از مدل خارج، و گرنه باقی می‌مانند.

در مطالعه حاضر، تحلیل رگرسیون چندگانه در چهار مرحله (گام) انجام شده است: در گام اول، رویکرد تفویضی وارد معادله رگرسیون شد. در مرحله دوم، دو متغیر رویکرد تفویضی و تشویقی به‌طور هم‌زمان وارد معادله رگرسیون شدند که هر دو متغیر در معادله معنادار بودند. در مرحله سوم، سه متغیر رویکرد تفویضی، تشویقی و تنبیهی وارد معادله رگرسیونی شد که با وجود معنی‌دار بودن مدل، رویکرد تنبیهی معنادار نبود و در نهایت در مرحله چهارم، رویکرد آموزش هم به متغیرهای قبلی افزوده شد ولی معنی‌دار نبود.



جدول ۳. آزمون معناداری رگرسیون چندگانه

sig	F	
.۰a	۲۷,۶۱۶	مرحله اول
.۰b	۲۳,۰۱۶	مرحله دوم
.۰c	۱۷,۷۵۹	مرحله سوم
.۰d	۱۴,۴۳۷	مرحله چهارم

با توجه به اینکه F مشاهده شده در سطح $P > 1/10$ معنادار بوده، بنابراین معادله رگرسیون معنادار است.

جدول ۴. پیش‌بینی میزان معناسازی حجاب بر اساس رویکردهای مواجه

(تفویضی، تشویقی، حمایتی، آموزشی و تنبیهی)

Sig.	t	Coefficients ^a			مدل	
		ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد			
		Beta	خطای عیار	B		
.۰	۳۵,۹۴۳		.۸۸	۳,۱۶۴	ضرب ثابت	۱
.۰	۵,۲۵۵	.۲۷۰	.۲۲	.۱۱۸	تفویضی	
.۰	۲۵,۳۹۳		.۱۱۳	۲,۸۶۳	ضرب ثابت	۲
.۰	۵,۱۱۳	.۲۵۷	.۲۲	.۱۱۲	تفویضی	
.۰	۴,۱۴۱	.۲۰۸	.۲۲	۹۰,۹۰	تشویقی	۳
.۰	۲۳,۹۳۶		.۱۱۶	۲,۷۸۲	ضرب ثابت	
.۰	۵,۱۶۱	.۲۵۷	.۲۲	.۱۱۳	تفویضی	
.۴	۲,۹۲۵	.۱۵۷	.۲۳	.۶۸	تشویقی	
.۱۱	۲,۵۵۴	.۱۳۷	.۱۷	.۴۲	تنبیهی	۴
.۰	۲۱,۹۶۱		.۱۳۳	۲,۹۱۲	ضرب ثابت	
.۰	۵,۴۹۴	.۲۸۰	.۲۲	.۱۲۲	تفویضی	
.۱	۳,۴۷	.۲۰۰	.۲۵	.۸۶	تشویقی	
.۲۷	۲,۲۱۹	.۱۲۰	.۱۷	.۳۷	تنبیهی	
.۴۶	-۲,۰۰۳	-.۱۱۰	.۳۴	-.۶۹	آموزشی	

متغیر مستقل: معناسازی a.



بر اساس نتایج رگرسیون چندگانه:

$$\text{تفویضی (۲/۹)} + \text{تشویقی (۰/۲)} + \text{ضریب ثابت} = \text{معناسازی}$$

با توجه به مراحل ورود متغیرها، از بین رویکردهای مختلف مورد بررسی، رویکرد تفویضی بالاترین میزان ضریب تأثیر، سپس متغیر رویکرد تشویقی و در نهایت رویکردهای تنبیهی و آموزشی قرار گرفتند؛ بدین معنی که رویکردها تفویضی بیشترین تأثیر را در معناسازی حجاب داشت.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر به بررسی عوامل ظهور و بروز بدحجابی و سازوکارهای بهبود بخشیدن به وضعیت فعلی پرداخته است. بررسی مدل اندازه‌گیری بر حسب ضرایب تأثیر نشان‌دهنده تأثیر معنادار متغیرها با ضرایب تأثیر بزرگ‌تر از (۰,۱) بود که نشان می‌دهد نگرش سیستمی به حجاب و دیدگاه تئوریک این مطالعه از نظر تحلیل‌های آماری مورد پذیرش است و مقادیر نیکویی برازش مدل نیز حاکی از برازش مناسب مدل است. بنابراین، مدل ارائه شده می‌تواند به خوبی ابعاد و اجزاء مختلف این پدیده اجتماعی را نشان دهد و روشن سازد که حجاب، بدحجابی یا بی‌حجابی در جامعه ایران از زمینه‌های گسترده‌تری اثر می‌پذیرد. در واقع، ورودی این سیستم، یعنی عوامل اجتماعی، سیاسی-حقوقی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی و نحوه انعکاس این عوامل در ذهن مورد پردازش قرار گرفته و معناسازی بر مبنای آنهاست که مشخص می‌کند چرا افراد به حجاب روی آورده، نسبت به آن سهل‌انگاری می‌کنند، از آن روی برمی‌گردانند، یا آن را مستمسکی برای نشان دادن اعتراض یا عناد و مخالفت قرار می‌دهند. مطابق مدل به دست آمده، ورودی‌ها در سیستم حجاب عبارت است از هر آنچه به شکل آشکار یا پنهان وارد خرده سیستم ذهن افراد می‌شود و تحرک و فعالیت سیستم را سبب می‌گردد. با توجه به مدل مسیر به دست آمده، از میان ورودی‌ها به ترتیب ضریب تأثیر عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، عوامل سیاسی، عوامل بین فردی و عوامل اقتصادی است.

عوامل فرهنگی

دانش مذهبی، باورهای افراد، پایبندی آنها به ارزش‌های خانوادگی، انقلاب اسلامی و سازمانی (ودجا)، همچنین شیوه برخورد مسئولین و نگهبانان، الگوسازی عفاف و سرانجام محصولات فرهنگی و ویژگی‌های فیزیکی و کالبدی شهرک‌ها، از جمله این ورودی‌هاست که بر حجاب، بدحجابی یا بی‌حجابی ساکنان اثر می‌گذارند.



عوامل اجتماعی

عوامل اجتماعی شامل بافت و ماهیت سکونت، سبک زندگی، امنیت اجتماعی، رسانه ملی و رسانه‌های جمعی، مساجد، روحانیون و هیئت‌های مذهبی، وجود نیروهای امر به معرف و نهی از منکر و همچنین احساس تبعیض و محرومیت ساکنان شهرک‌ها است که بر موضوع حجاب اثر می‌گذارند.

در مطالعات متعدد نقش این عوامل ورودی بارها ذکر شده است. شارع‌پور و همکاران (۱۳۹۱) اعلام کرده‌اند که عوامل محرک اجتماعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، سبک زندگی و محل سکونت از جمله مهم‌ترین عوامل در گرایش به حجاب هستند. زین‌آبادی (۱۳۸۶) خانواده، مدرسه، گروه همسالان و نهادهای اجتماعی و ارتباطی را به‌عنوان عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری حجاب معرفی کرده و اعلام می‌کند که ناهماهنگی و بدکارکردی این عوامل می‌تواند منجر به آسیب‌پذیری فرآیند جامعه‌پذیری حجاب گردد. همچنین علوی و حجتی (۱۳۸۶) یکی از عوامل مؤثر بر بدحجابی را نگرش‌های سیاسی و متغیرهای اجتماعی معرفی کرده‌اند. خواجه‌نوری و همکاران (۱۳۹۱) سبک زندگی را به‌عنوان یکی از زیربخش‌های مهم عوامل اجتماعی در گرایش به حجاب معرفی کرده‌اند. مسعودی‌پور (۱۳۸۹) نیز عوامل اجتماعی را شامل بی‌تفاوتی اجتماعی، بالا رفتن سن ازدواج، سخت‌گیری والدین، فردی بودن حجاب و شأن و منزلت بی‌حجابی را از جمله عوامل مؤثر در بی‌حجابی یا بدحجابی معرفی کرده‌اند.

عوامل سیاسی-حقوقی و عوامل اقتصادی

بررسی‌ها نشان داد که عوامل سیاسی-حقوقی و عوامل اقتصادی که شامل نرخ تورم و گرانی، بیکاری، فقر اقتصادی، تجمل‌گرایی و میزان درآمد ساکنان شهرک‌ها است بر مقوله حجاب اثر می‌گذارند که با تحقیق شارع‌پور و همکاران (۱۳۹۱) نیز هم‌خوانی داشت. با توجه به نقش این عوامل، به‌ویژه تورم و گرانی که نشان‌دهنده فقدان کارایی نظام اقتصادی جامعه و اختلال در کارکرد انطباق با شرایط و تأمین معیشت آحاد جامعه است، ممکن است چنین وانمود شود که مسائل جامعه، مسائلی از این دست است و به‌جای برجسته کردن و اولویت دادن به حجاب باید اقتصاد جامعه را سامان داد و وضعیت اقتصادی مردم را بهبود بخشید.

فراگرد در سیستم حجاب: معناسازی

معناسازی شامل فرایندهای آگاهی از پوشش حجاب، اعتقاد به تأمین سعادت دنیا و آخرت، پذیرش فلسفه حجاب، ضرورت حفظ حجاب، پذیرش نقش حجاب در آرامش روانی و



مصونیت بانوان و همچنین نقش حجاب در ارتقاء مقام زن و جلوگیری از مفساد اخلاقی است. باید توجه داشت که فعالیت‌های انسان‌ها بر خلاف فعالیت‌های طبیعی آنان که دارای علت است، مبتنی بر دلیل یا معنای ذهنی آنان است و در فراگرد سیستم حجاب ورودی‌ها از طریق فرایند معناسازی به خروجی تبدیل می‌شوند. یافته‌ها نشان داده است که وضعیت حجاب کنونی شهرک‌ها، متوسط و در حد قابل قبول ارزیابی شده، ولی این دیدگاه که به صورت جمعی و اجباری به آن پرداخته شود، حمایت نشده است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود استفاده از الگوها و مدل‌های فرهنگی که بدون پشتوانه قدرت است ولی در بلندمدت نتیجه ماندگار می‌دهد، مورد توجه قرار گیرد. به این منظور نیز الگوی ارائه دانش برای تغییر مفروضات و شکل‌گیری فضای ذهنی، تغییر نگرش بر پایه ادراکات و مفروضات پذیرفته شده الگوی مناسبی است که می‌تواند نمادسازی شده و تغییر رفتار در شکل پذیرش آگاهانه و مشتاقانه حجاب را در پی داشته باشد.

پیامدها

با توجه به اینکه نتایج برآمده از معناسازی یا رفتارهای مبتنی بر مفروضاتی که نگرش‌ها و ارزش‌های افراد را شکل می‌دهد، در قالب حجاب، بی‌حجابی یا بدحجابی ظهور و بروز می‌یابد و از آنجا که به سبب پایداری عموم به حجاب، بی‌حجابی در کشور و شهرک‌ها نیز به صورت مشهود وجود ندارد، در صورت مشاهده بیشتر از هر چیز می‌توان آن را از نشانه‌های مخالفت با نظام و احکام اسلامی دانست. بنابراین، نتایج از دو بعد رعایت حجاب در مقابل سهل‌انگاری نسبت به آن، اعتراض و بیان خواسته‌ها از طریق بدحجابی و عناد ورزیدن در قالب مخالفت و اظهار نظرهای مخرب جلوه می‌کنند.

رویکردهای حل مسئله

با توجه به ماهیت چندوجهی و فرایندی حجاب، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که رویکردهای حل مسئله باید بر پایه نگاه جامع و نظام‌مند و با توجه به ماهیت ورودی‌ها، فرایند معناسازی و پیامدهای برآمده از آنها اتخاذ گردد که این نیز نیازمند احاطه داشتن و شناخت محیط و عوامل محیطی، روان‌شناسی فردی و اجتماعی و دیگر علوم انسانی و اجتماعی به‌ویژه دانش مذهبی و آشنایی با آیات و روایات و مقتضیات زمانه است.

۱. تفویضی

این شیوه برای افرادی که وضعیت رعایت حجاب در آنها در حد مطلوب است، بهترین سبک



است؛ یعنی هنگامی که کارکنان، مدیران و خانواده‌های آنان در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به حجاب اعتقاد دارند و آن را به‌طور مطلوبی رعایت می‌نمایند، بایستی به حال خود واگذار شوند. در این مرحله کارکنان و خانواده‌های آنان تنها به حمایت نیاز دارند. از این‌رو بهترین سبک برای این افراد سبک تفویضی است و در همین حال:

- می‌توان افراد مستعد برای توانمند شدن و در زمرهٔ آمر به معروف و ناهی از منکر قرار گرفتن به شیوهٔ نظام‌مند و مجریان برنامه‌ها را از میان این افراد برگزید.
- از این افراد باید حمایت کرد و با تشویق آنها از آنان برای الگوسازی‌های معمول استفاده کرد.

۲. حمایتی

برای افرادی که وضعیت حجاب آنان از متوسط بالاتر و تا حدی مطلوب است؛ یعنی قدرت تشخیص و شناخت مسائل خود را در این زمینه دارند، بهترین سبک، سبک حمایتی است. نحوهٔ حمایت‌ها را می‌توان به گونه‌های زیر برشمرد:

- از آنجا که افراد خودشان در این حوزه می‌توانند مسائل خود را تشخیص داده و به حل آن اقدام نمایند، در رابطه با این افراد تنها می‌توان در مواردی که نیازمند به کمک یا راهنمایی هستند وارد عمل شد و از حمایت‌هایی که می‌توان از آنان به‌عمل آورد آگاهشان ساخت.
- ارائه خدمات مشاوره برای این افراد و توانمندسازی‌شان از طریق شرکت دادن آنان در نشست‌ها و کارگاه‌ها و همچنین مسئولیت دادن و استفاده از آنها در نشست‌ها و کارگاه‌ها و مناسبت‌های مختلف می‌تواند آنان را در ردیف گروه نخست قرار دهد.

۳. تشویقی یا استدلالی

این سبک برای افرادی که پذیرش و رعایت حجاب از سوی آنان پایین یا متوسط است، بهترین سبک به‌شمار می‌آید. این سبک تلفیقی از استدلال کردن و تشویق و ترغیب افراد به ارزشمند بودن حجاب و ضرورت رعایت کردن آن از سوی افراد است. از این‌رو، برای این افراد که توان و تمایلشان برای رعایت حجاب و عفاف پایین‌تر از متوسط است، پیشنهاد می‌شود:

- برنامه‌ریزی برای ایجاد انگیزه در میان افراد؛ برای مثال، برگزاری مسابقات و اهدای جوایز به افراد، شرکت دادن افراد در تورهای تهران‌گردی و ایران‌گردی، استفاده از امکانات رفاهی و... در دستور کار قرار گیرد.

- ارائه برنامه‌های آموزشی و اجرای آنها برای افزایش آگاهی افراد و پذیرش آگاهانه و مسئولانهٔ احکام؛ به‌ویژه حجاب و عفاف.



۴. آموزشی (دستوری بدون آمريت)

این شیوه برای افرادی که توانایی اندک و وضعی برای شناخت تکالیف خود در رابطه با حجاب دارند، بهترین سبک است. باید توجه داشت که این سبک زمانی کارساز است که فرد عناد نمی‌ورزد و آگاهانه سرپیچی نمی‌کند؛ از این رو پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌افزایی برای این افراد در دستور کار قرار بگیرد و از برخوردهای تنبیهی یا واگذاری آنان به حال خودشان اجتناب شود.

۵. تنبیهی

این شیوه برای افرادی است که با پدیده حجاب عناد دارند و از حدود آن سرپیچی کرده و در فرایند آموزش قرار نمی‌گیرند؛ این افراد را باید با سازوکارهای تنبیهی به حفظ حدود و رعایت قوانین و مقررات و هنجارهای اجتماعی واداشت؛ از این رو پیشنهاد می‌شود در رابطه با این افراد: - با تکیه بر قوانین و مقررات عمل شود.

- در صورت تخلف افراد از قوانین و مقررات تعیین‌شده به آنان اخطار داده و در صورت تکرار قاطعانه برخورد شود.
- از فضا سازی‌های این افراد جلوگیری شده و نسبت به برقراری ارتباطات آنان در جهت اهداف خاصی که دارند مراقبت شود.

باز خورد

در مواردی که سبک‌های به‌کار گرفته شده پاسخ مناسب ندهند بایستی از حلقه باز خورد استفاده کرد و اشتباهات را شناخت و نسبت به اصلاح آنها اقدام کرد. با توجه به اینکه باز خورد منفی موجب یادگیری نخواهد شد؛ پیشنهاد می‌شود:

- نسبت به باز خورد های منفی که دریافت می‌شود، سعه صدر بیشتری داشته باشیم و به یاد داشته باشیم که این نوع باز خورد سبب یادگیری و اصلاح مستمر خواهد بود و در مقابل باز خورد های مثبت گاه فریبنده و زیان‌آور است.

- آسیب‌شناسی حجاب و عفاف و شیوه‌های مواجهه با آن باید در مقاطع مختلف زمانی در دستور کار قرار گرفته و نسبت به شناخت فعالیت‌های غیر اثربخش و حتی گاه مسئله‌ساز و انجام اصلاحات مورد نیاز و بهبود وضعیت اقدام شود.



- نتایج و بازخوردهایی که ارائه می‌شود باید در عملکردهای افراد ظهور و بروز یافته و در مواجهه با موضوع حجاب و عفاف مورد توجه قرار گیرد.
- وضعیت حجاب و بازخورد عملکرد باید به‌طور مستمر رصد و کمیت و کیفیت عملکردها مستندسازی شود.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۳۰

دوره نهم
شماره ۴
زمستان ۱۳۹۵



منابع

- المدرسی، سید مهدی الحسینی؛ محمدی، فاطمه؛ باقری قره‌بلخ، هوشمند؛ کشاورز مولایی، مصطفی (۱۳۹۴). بررسی اثر مذهب، مادی‌گرایی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصرف‌کننده بر درگیری ذهنی با پوشاک مد (مورد مطالعه: شهر یزد). *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۸(۳)، ۲۱۳-۱۸۹.
- باقری، محمدرضا؛ باقری‌میاب، شهلا (۱۳۹۱). الزامات هم‌سویی نهادهای سیاست‌گذار و اجرایی در فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی عفاف و حجاب. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۹(۱)، ۴۵-۳۱.
- خواججه‌نوری، بیژن؛ روحانی، علی؛ هاشمی، سمیه (۱۳۹۱). گرایش به حجاب و سبک‌های متفاوت زندگی (مطالعه موردی: زنان شهر شیراز). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۳)، ۱۶۶-۱۴۱.
- رجالی، مه‌ری؛ مستاجران، مهناز؛ لطفی، مهران (۱۳۹۱). نگرش دانشجویان دختر دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به حجاب و پوشش زنان و برخی عوامل موثر بر آن. *تحقیقات نظام سلامت*، ۸(۳)، ۴۳۰-۴۲۴.
- رضائیان، علی (۱۳۸۸). *مبانی سازمان و مدیریت*، تهران: سمت، ۶۲.
- زین‌آبادی، مرتضی. (۱۳۸۶). *جامعه‌پذیری حجاب. مطالعات راهبردی زنان*، ۳۸، ۲۱۸-۱۸۰.
- شارع‌پور، محمود؛ تقوی، سیده‌زینب؛ محمدی، مهدی (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: گرایش به حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه مازندران). *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۵(۳)، ۲۹-۱.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی کجروی. کتاب اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه*.
- سیف‌اللہی، سیف‌الله (۱۳۸۷). *مبانی جامعه‌شناسی: اصول، مبانی و مسایل اجتماعی*. تهران: جامعه‌پژوهان سینا.
- شرف‌الدین، حسین (۱۳۸۶). *ریشه‌یابی جامعه‌شناختی بی‌حجابی. فقه*، ۵۱(۵۲)، ۳۰۱-۲۶۴.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- علوی، سید حمیدرضا؛ حجتی، رضیه (۱۳۸۶). *عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان. دو فصلنامه تربیت اسلامی*، ۲(۴)، ۸۸-۶۳.
- کوئن، بروس (۱۳۸۸). *مبانی جامعه‌شناسی*، (مترجم: غلامعباس توسلی و رضا فاضل). تهران: سمت.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۳). *مقدمات جامعه‌شناسی*. تهران: دوران.
- مختاریان‌پور، مجید؛ گنجعلی، اسدالله (۱۳۹۰). *نهادسازی عفاف و حجاب در جامعه؛ رویکردی فرایندی. تحقیقات فرهنگی ایران*، ۴(۲)، ۱۵۱-۱۱۷.
- مرتضوی، سید ضیاء. (۱۳۸۶). *درآمدی بر مبانی کلی فقهی حجاب و مسئولیت دولت اسلامی. فقه*، ۵۱(۵۲-۱۲).
- مسعودی‌پور، سعید (۱۳۸۹). *حجاب به مثابه یک سیستم. گنجینه مجمع*، ۴۰.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). *مسئله حجاب*. تهران: صدرا.



Mcquitty, S. (2004). Statistical Power and Structural Equation Models in Business Research. *Journal of Business Research*, 57, 175-183.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۳۲

دوره نهم
شماره ۴
زمستان ۱۳۹۵



Seyf Alahi, S. (1387 [2008 A.D]). Mabāni-e jāme'eh-šenāsi: osul, mabāni va masā'el-e ejtemā'i. Tehrān: Jāme'eh-pažuhān-e Sīnā.

Šeyxi, M. T. (1387 [2008 A.D]). Jāme'eh-šenāsi-e zanān va xānevādeh. Tehrān: Šerkat-e Sahāmi-e Enteshār.

Xājeh-nuri, B., Ruhāni, 'A., & Hāšemi, S. (1391 [2012 A.D]). Gerāyeš beh hejāb va sabk-hā-ye motefāvet-e zendegi (motāle'eh-ye muredi: zanān-e Šahr-e Šīrāz). Jāme'eh-šenāsi-e kārbordi, 23(3), 141-166.

Zeyn Ābādi, M. (1386 [2007 A.D]). Jāme'eh-paziri-e hejāb. Motāle'āt-e rāhbordi-e zanān, 38, 180-218.



Bibliography

- ‘Alavi, S. H. R., & Hojati, R. (1386 [2007 A.D]). ‘Avāmel-e mu’aser bar badhejābi-e doxtarān-e Dānešgāh-e Šahid Bāhonar-e Kermān. *Tarbiat-e eslāmi*, 2(4), 63-88.
- Al-modaresi, S. M., Mohamadi, F., & Bāqeri Qareh Bālegh, H. (1394 [2015 A.D]). Barresi-e asar-e mazhab, mādi-gerāyi va vižegi-hā-ye jam’iat-šenāxti-e masraf-konandeh bar dargiri-e zehni bā pušāk-e mod (mured-e motāle’eh: Šahr-e Yazd). *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 8(3), 189-213.
- Bāqeri, M. R., & Bāqeri Miāb, Š. (1391 [2012 A.D]). Elzāmāt-e ham-suyi-e nahād-hā-ye siāsat-gozār va ejrāyi dar farāyand-e xat-e- mašy-gozāri-e farhangi-e ‘efāf va hejāb. *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 19, 31-45.
- Cohen, B. (1388 [2009 A.D]). *Mabāni-e jāme’eh-šenāsi*. (Persian translation of Introduction to sociology). Translated by: Tavasoli, GH. ‘A., & Fāzel, R. Tehrān: Samt.
- Mas’udi Pur, S. (1389 [2010 A.D]). Hejāb beh masābeh-e yek system. *Ganjineh-ye majma’*, 38, 39 & 40, 22-35.
- Mcquitty, S. (2004). Statistical Power and Structural Equation Models in Business Research. *Journal of Business Research*, 57, 175-183.
- Mohseni, M. (1383 [2004 A.D]). *Moqadamāt-e jāme’eh-šenāsi*. Tehrān: Durān.
- Mortazavi, Z. (1386 [2007 A.D]). Darāmadi bar mabāni-e koli-e feqhi-e hejāb va mas’uliat-e dulat-e eslāmi, *feqh*, 51, 12-52.
- Motahari, M. (1374 [1995 A.D]). *Mas’aleh-ye hejāb*. Tehrān: Sadrā.
- Moxtāriān Pur, M., & Ganj’ali, A. (1390 [2011 A.D]). Nahādsāzi-e ‘efāf va hejāb dar jāme’eh; ruykardi farāyandi. *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 4(2), 117-151.
- Rejāli, M., Mosta’jerān, M., & Lotfi, M. (1391 [2012 A.D]). Negareš-e dānešjuān-e doxtar-e dāneškadeh-ye behdāšt-e Dānešgāh-e ‘Olum-e Pezeški-e Esfahān nesbat beh hejāb va pušeš-e zanān va barxi ‘avāmel-e mu’aser bar ān. *Tahqiqāt-e nezām-e salāmat*, 8(3), 424-430.
- Rezā’iān, ‘A. (1388 [2009 A.D]). *Mabāni-e sāzmān va modiriāt*. Tehrān: Samt.
- Salimi, ‘A., & Dāvāri, M. (1380 [2001 A.D]). *Jāme’eh-šenāsi-e kajravi*, Ketāb-e aval. Qom: Pažuhešgāh-e Huzeh va Dānešgāh.
- Šaraf Al-din, H. (1386 [2007 A.D]). Rišeh-yabi-e jāme’eh-šenāxti-e bi hejābi. *Feqh*, 51-52, 264-301.
- Šāre’ Pur, M., Taqavi, S. Z., & Mohamadi, M. (1391 [2012 A.D]). Tahlil-e jāme’eh-šenāxti-e ‘avāmel-e mu’aser bar gerāyeš beh hejāb (motāle’eh-ye muredi: gerāyeš beh hejāb dar beyn-e dānešjuān-e doxtar-e Dānešgāh-e Māzandarān). *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 5(3), 1-29.



Study of Influencing Factors on Tendency to Bad Dressed and its Solutions

Received Date: August 22, 2015

Accepted Date: August 13, 2016

Vajiheh Javani¹
Mojtaba Amiri²

Abstract

The hijab is one of our Cultural religious norms and on the other hand, it is one of the most important aspects of soft war on behalf of enemies of the Islamic Revolution of Iran. Therefore, the bad Dressed is undoubtedly one of the consequences of cultural invasion. And cross-sectional approaches couldn't be useful for understanding the problem deeply and doesn't provide enough knowledge for effective and efficient cultural planning. The study aims to investigate the causes of the emergence of bad dressed and ways to deal with it. At this descriptive-survey study field as well as library studies were used to develop a theoretical frame work. Data collected through the researcher-made questionnaire that was validated and justified. The data was analyzed through using structural equation modeling. Conceptual framework was based on systematic thinking and comprehensive approach to the bad dressed phenomena. Thus the hijab is considered as a social system and the main elements in four sections; inputs, process, outcomes, and feedback were investigated.

Keywords: Hijab, Tendency to Bad Dressed, Systemic approach

1. Assistant Professor of Sport Management, University of Tabriz, (Corresponding Author);
v.javani@tabrizu.ac.ir

2. Associate Professor of Management, Faculty of Management, University of Tehran.
mamiry@ut.ac.ir

